



مرکز تحقیقات اسلامی

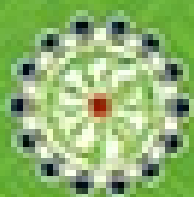
اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



مجمع‌التسلطی شورای عالی انقلاب فرهنگی



# در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام

جلد ۱۴

مسح پاها در وضو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مسح پاها در وضو

نویسنده:

عبدالکریم بهبهانی

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	مسح پاها در وضو
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۵	سخن مجمع
۱۹	مقدمه
۱۹	اشاره
۲۳	حال نگاه بیندازید و ببینید:
۲۷	مسأل مسح پاها در وضو
۲۸	آیه وضو در قرآن
۳۰	دلایل کسانی که شستن پاها را لازم می دانند
۳۲	دلایل کسانی که مسح پاها را لازم می دانند
۴۹	جمع بین مسح، غسل و تخییر بین آنها
۴۹	منشأ اختلاف روایات
۵۰	خلاص بحث
۵۱	درباره مرکز

سرشناسه: بهبهانی، عبدالکریم

عنوان قرارداد: مسأله المسح علی الارجل فی الوضوء . فارسی

عنوان و نام پدیدآور: مسح پاها در وضو [کتاب] / گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالکریم بهبهانی؛ ترجمه گروهی از مترجمان [مجمع جهانی اهل بیت (ع)؛ تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)؛ ویراستاری امرا... نصیری].

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۴۴ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

فروست: در مکتب اهل بیت علیهم السلام؛ ۱۴.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۰-۴؛ ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۸۴-۱

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: مسح

موضوع: وضو

موضوع: وضو -- احادیث

موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: نصیری، امرالله، ویراستار

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع). اداره ترجمه

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع)

رده بندی کنگره: BP/۱۸۵/۵ ب ۹ م ۴۱ ۵۰۴۱ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۸۰۶۳

ص: ۱

**اشاره**





بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣



مسح پاها در وضو

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالکریم بهبهانی

ترجمه گروهی از مترجمان [مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)]

ص: ۵







«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت]... معرفی مکتب اهل بیت است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که تبلور اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«فإنَّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعوننا» [شیخ صدوق (رحمه الله)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار (علیه السلام) و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با

محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.



در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان، از دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته گان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت (علیهم السلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج).

نجف لک زای ی

معاون امور فرهنگی

ص: ۱۱



وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلم و همیشگی دین مقدس اسلام نیز بوده و هست و تحقق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (۲)

ص: ۱۳

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطب ۱۷۶.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگک زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لب پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً». (۱)

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده». (۲)

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خون ریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرّفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیس دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

ص: ۱۴

۱- (۱) - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱۴۱/۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اّتهم به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابر این بر مسؤلان و رهبران اّمت و برآحاد جامع اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتّفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجویم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب هم مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمّد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؛

- ما که بزرگ ترین موفقیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزّی و اعلان و تحقّق کلم توحید «لا إله إلا الله» می دانیم؛

- ما که خطبه های غزّای توحیدی مولی الموحّدین امیر المؤمنین (علیه السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؛

ص: ۱۵

- ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را همانند دعای کمیل از امام علی(علیه السلام)، دعای عرفه از امام حسین(علیه السلام) و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد(علیه السلام) و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... متی غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيْتُ عَيْنٌ لَا تَرَكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا أَلْمَذَى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».

(۱)

- ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با هم این اوصاف، به صورت جاهلان و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم کیف یحکمون)!!؟!!

۲ - اعتقاد به امام مهدی(علیه السلام) و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی - روی هم رفته - به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند. (۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطب علمای اهل بیت(علیهم السلام) و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

ص: ۱۶

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۲۲۶/۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲- (۲) - همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابوالعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحن حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صباغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عیّاس قرمانی حنفی، ابن عامر شیراوی، سباط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان... .

### حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی (علیه السلام) و مهدویت - که در کتاب و سنت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد - چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصار انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا (۱) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود! اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

ص: ۱۷

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه‌نمایی در زمین اعتقادات و معارف حقه اهل بیت (علیهم السلام) توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آکله‌الاکباد و آنان که گوینده «لا اله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می‌برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه‌گونه خوش‌خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته‌دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی‌رحمی، قطعه‌قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم‌افزار، توسط این مجموع فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه‌افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می‌باشند، فالی الله المشتکی.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت (علیهم السلام) مکلفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی‌زاری خود را از این تفرقه‌افکنان و جنگ‌افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.



مجموع «فی رحاب اهل البیت (علیهم السلام)» (۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهبتیت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین (۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوین قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیت های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه ی این مجموعه را به زبان های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجم فارسی آن توسط ادار ترجم

ص: ۱۹

---

۱- (۱) - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.

۲- (۲) - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته اند. متذکر می شویم: ۱ - ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه. ۲ - سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه. ۳ - ۵ - سید عبدالرحیم موسوی (رحمه الله)، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه. ۶ - ۹ - شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله. ۱۰ - ۱۳ - سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور. ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می شود.  
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

ص: ۲۰

اگر عالمان و دانشمندان مذاهب، در این گونه مسائل، اختلاف کنند و هر یک نظری ارائه دهند - چنانچه این مسائل، مشکل و پیچیده باشند - جای شگفتی و سؤال نخواهد بود.

اما برخی از مسائل اختلافی هست که توقع خلاف در آنها نمی رود و بنا بر قاعده نمی بایست مورد نزاع و اختلاف قرار بگیرند. با این حال، می بینیم که چنین اختلافاتی پیدا شده که جای شگفتی و سؤال دارد؛ مانند اختلاف در کیفیت وضو و این که (بسم الله) در نماز جزء سوره است یا نه؟ و این در حالی است که چنین اموری، در مدت ۲۳ سال در معرض دید مردم بوده است. اختلاف در این چنین اموری، طبیعی نیست. شخص محقق باید تحقیق کند که چطور مسلمانان - مثلاً - در وضو - اختلاف پیدا کرده اند؟ مگر نمی دیدند که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) چگونه وضو می گیرد؟.

این جاست که باید ابتدا، ریش تاریخی مسأله را مورد بررسی قرار داد تا روشن شود که در ورای این اختلافات، چه عواملی بوده است که اختلاف را در فقه و جهات شرعی هم ریشه دار نموده است.

مسأل «حکم پاها در وضو» - از نظر مسح و یا شستن - جزء این گونه مسائل است و نمی بایست اختلافی در آن باشد لکن بر خلاف انتظار، از مسائل مهم مورد اختلاف است.

مسح پاها واجب است؛ همچنان که امامیه و ابن عباس می گویند؛ (۱) شستن آنها واجب است؛ همچنان که برخی از پیشوایان اهل سنت آن را گفته اند. (۲)

بین مسح و شستن تخییر است که محمد بن جریر طبری و حسن بصری بر اساس آنچه رازی و دیگران از آنها نقل کرده اند (۳)، آن را پذیرفته اند.

جمع بین شستن و مسح واجب است. داوود بن علی ظاهری و ناصر حق، از زیدیه آن را تکلیف دانسته اند (۴).

## آیه وضو در قرآن

پیش از آن که وارد جزئیات مسأله شویم، لازم است ابتدا ببینیم آیا قرآن کریم در این مورد اشاره و بیانی دارد یا نه؟ وقتی به قرآن کریم مراجعه کنیم، می بینیم این آیه در بار وضو هست:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ... (۵)

ص: ۲۲

---

۱- (۱) - الفقه على المذاهب الأربعة ومذهب أهل البيت (عليهم السلام): ۱/۱۲۲، چاپ دار الثقلين.

۲- (۲) - الفقه على المذاهب الأربعة: ۵۴/۱.

۳- (۳) - التفسير الكبير: ۱۱/۱۶۶.

۴- (۴) - همان.

۵- (۵) - مائده (آیه): ۶.

«ای اهل ایمان! چون خواهید برای نماز بر خیزید، پس صورت و دستها را تا مرفق (آرنج) بشویید و سر و پاها را تا برآمدگی پا مسح کنید.»

این آیه بحثهای عدیده ای از فقه را در بردارد و حکم پاها را در وضو مشخص کرده است؛ می فرماید: اعضا در وضو دو قسم است؛ اعضایی که باید شسته شوند و اعضایی دیگری که باید مسح گردند؛ اما اعضایی که باید شسته شوند، عبارتند از: صورت و دستها و اعضایی که باید مسح شوند، عبارتند از: سر و پاها؛ بنابراین، آیه شریفه به طور روشن، حکم پاها را در وضو مشخص کرده است. کلم **وَأَرْجُلُكُمْ** را بعد از عبارت **وَأَمْسِحُوا** آورده است و اگر بنا بود پاها شسته شود، مناسب بود که آن را پشت سر **فَاعْسِلُوا** ذکر کند و این مطلب از بدیهیات در علم ادبیات است؛ بنابراین این **أَرْجُلُكُمْ** - چه مجرور باشد - و چه منصوب - از آن جایی که پشت سر **وَأَمْسِحُوا** قرار گرفته است، به ما می رساند که پاها در وضو باید مسح شوند.

توضیح: اگر **أَرْجُلُكُمْ** مجرور باشد - چنان که ابن کثیر، حمزه، ابو عمرو و عاصم در روایت ابو بکر از او، آن را با جر قرائت کرده اند - عطف بر (رؤوس) می باشد و هر دو در وضو محکوم به مسح می شوند؛ زیرا فعل **وَأَمْسِحُوا** عامل آنها می باشد.

و اگر **أَرْجُلُكُمْ** منصوب باشد، چنان که نافع، ابن عامر و عاصم در روایت حفص از او با نصب قرائت کرده اند، عطف بر محل **رُؤُوسِكُمْ**

می باشد؛ زیرا محل (رؤوس) نصب است، هر چند که ظاهراً حرف جرّ، آن را مجرور کرده است؛ بنا بر این، باز حکم هر دو (رؤوس و ارجل) مسح می باشد. قرائت أرجل هم به فتح - بنا بر عطف بر محل رؤوس - و هم به کسره - بنا بر عطف به ظاهر - رواست.

فخر رازی این کلام را گفته و در پایان این توضیح گفته است که: «مذهب مشهور نحویها همین است» (۱).

### دلایل کسانی که شستن پاها را لازم می دانند

به طور کلی مذاهب اهل تسنن، شستن پاها را در وضو واجب می دانند و به دلایلی استدلال کرده اند که فخر رازی بعضی از آنها را در تفسیرش ذکر کرده است.

او می نویسد:

«روایات زیادی نقل شده که شستن پاها را واجب می داند و معلوم است که شستن، شامل مسح هم است و عکس آن صحیح نیست؛ یعنی مسح، شامل شستن نمی باشد، پس به احتیاط نزدیکتر است؛ بنا بر این، باید شستن پاها را واجب بدانیم» (۲).

قرطبی گفته است:

ص: ۲۴

---

۱- (۱) - التفسیر الکبیر: ۱۶۱/۱۱.

۲- (۲) - التفسیر الکبیر: ۱۶۲/۱۱.

«واجب در پاها، شستن است و نه مسح و این مذهب جمهور و عموم علماست و همین مطلب از پیغمبر اسلام ثابت است؛ یعنی ثابت شده که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) هنگام وضو، پاهایش را می شست حتی در احادیث آمده است که: آن حضرت می دید گروهی وضو می گیرند و پاشنه های آنها آشکار بود که آب به آن نمی رسید (۱)، آن حضرت با صدای بلندی فرمودند: (وای بر پاشنه ها از آتش جهنم! وضو را کامل انجام دهید؛ به درستی که خداوند مقدار و حد آن را معین نموده و می گوید: تا کعبین (بر آمدگی روی پاها)؛ همچنان که در شستن دو دست در وضو فرموده است: تا مرفقها که این دلالت «بر وجوب شستن آنها دارد» (۲).

محمد رشید رضا گفته است:

«علمای مذاهب اربعه آن را با نصب قرائت نموده اند و قرائت با جر را به آن رجوع داده اند و روایات صحیح و اجماع را بر آن اقامه کرده اند، به اضافه این که قرائت با نصب، مطابق با حکمت و فلسف طهارت است.

طحاوی و ابن حزم ادعا کرده اند به این که: مسح پاها نسخ شده است و مهمترین دلیل علمای اهل سنت، روش و سیر اصحاب صدر

ص: ۲۵

- 
- ۱- (۱) - در شرح صحیح مسلم نووی، به این عبارت آمده است: «تلوح لم یمسها الماء؛ آشکار بود که آب به آن نرسیده است»؛ ۱۲۸/۲، باب وجوب غسل الرجلین بکمالها.
- ۲- (۲) - الجامع لأحكام القرآن ۶ / ۹۱.

اسلام است و مؤید این مطلب کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. صحیح ترین آنها روایت ابن عمر در صحیح مسلم و بخاری است که می گوید: در یکی از سفرها، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از ما دور شد و سپس به ما رسید در حالی که عصر شده بود. پس مشغول وضو گرفتن شدیم و پاها را مسح کشیدیم، در این هنگام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با صدای بلند فریاد زد: وای بر پاشنه ها از آتش جهنم! حضرت این جمله را دو یا سه بار تکرار فرمود» (۱).

### دلایل کسانی که مسح پاها را لازم می دانند

امامیه و پیروان اهل بیت (علیهم السلام) مسح پاها را در وضو واجب می دانند و به آیه وضو و روایات فراوان از پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه، اهل بیت (علیهم السلام) استدلال می کنند.

گفتنی است که در آیه شریف: چنانچه اَرْجُلُكُمْ مجرور قرائت شود، عطف بر بُرُؤُسِكُمْ می باشد و حکم مسح برای پاها ثابت است و این از واضحات است؛ زیرا «ارجل» و «رؤوس» معطوف و معطوف علیه می باشند و عامل و اَمْسِ حُواً بر سر هر دو عمل نموده و مسح را برای هر دو ثابت می کند.

ص: ۲۶



این تفسیر و توجیه ادبی، کاملاً روشن و واضح است و حتی عده ای از بزرگان اهل تسنن مانند فخر رازی در تفسیر و ابن حزم در المحلی آن را پذیرفته اند.

شگفت تر از همه این است که علی بن محمّد ماوردی ادعا کرده است که بنابر قرائت جرّ، باید آیه را به یکی از دو صورت توجیه کنیم:

۱- مسح بر خُفّین و کفشهاست؛ بنابر این، اختلاف در دو قرائت بر اساس اختلاف دو معناست.

۲- در این مورد، عطف مجاورت است نه آن که در حکم هم، عطف باشد (۱)؛ یعنی قرائت جرّ، حکم مسح را برای پاها ندارد.

در پاسخ این شبهه باید گفت:

أولاً: آنچه از ظاهر و اَمْسِ حُوا بُرُؤُوسِ كُمْ وَأَرْجُلِكُمْ استفاده می شود، مباشرت و تماس دست و پا و بدون مانع و کفش است و چنانچه فقیه بخواد حکم خف و کفش را استفاده کند، به دلیل دیگری غیر از این آیه نیازمند است. و اگر حرف ما وردی درست باشد، باید نه پاها را مسح کند و نه آنها را بشوید بلکه باید کفش پا کند و بر آنها مسح نماید!

ثانیاً: فخر رازی جواب احتمال دوّم ایشان را داده و نوشته است:

ص: ۲۷

«پس اگر گفته شود: چرا کسر أَرْجُلِكُمْ بنابر عطف مجاورت، جایز نباشد؛ همچنان که در: در حجر ضب خرب و کبیر اناس فی بجاد مزمل، انجام گرفته است (۱)؟ می‌گوییم: این حرف به جهاتی باطل است:

اولاً: کسره بر اساس عطف مجاورت جزء اغلاط است که در موارد نادری همچون ضرورت شعری واقع می‌شود و قرآن کریم از آن منزّه است و باید آن را از قرآن دور دانست.

ثانیاً: کسره در وقتی است که از اشتباه در امان باشد و در این جا چنین اُمنی وجود ندارد.

ثالثاً: کسره به مجاورت، بدون حرف عطف است و اما با حرف عطف، هیچ عربی به آن تکلم نکرده است» (۲).

این جاست که فخر رازی پذیرفته که بنا بر قرائت جرّ، حکم مسح برای پاها هم جاری است و بنا بر قرائت نصب، عطف به محلّ بَرُؤُوسِكُمْ است که منصوب می‌باشد و حکم وَاْمَسْحُوا

ص: ۲۸

---

۱- (۱) - در این جا کلم «خرب» و «مزمل» هر دو مجرور هستند به قاعد مجاورت؛ چون کلمات قبل از اینها این «ضب» و «بجاد» مکسور هستند، اما بحث ما که عطف أَرْجُلِكُمْ ب- بَرُؤُوسِكُمْ می‌باشد، مشمول این قاعده نیست؛ چون بین أَرْجُلِكُمْ و بَرُؤُوسِكُمْ «واو عاطفه» فاصله افتاده و در قاعد مجاورت، شرط است که بین دو کلمه فاصله ای نباشد (جهت آگاهی بیشتر ر. ک: تفسیر المیزان (ترجمه) / علام طباطبائی: ۵ / ۳۶۰).

۲- (۲) - التفسیر الکبیر: ۱۱ / ۱۶۱.

شامل پاها نیز می شود؛ بنا بر این، مسح پاها بنا بر هر دو قرائت، لازم است.

ممکن است گفته شود: چرا اَرْجُلُكُمْ بنا بر قرائت نصب، بر وُجُوهِكُمْ عطف نباشد؟ در جواب گفته است: چنین عطفی که این گونه فاصله بین آنها باشد، از نظر نحویها و ادبیات، باطل است و اگر فرض شود که معطوف علیه متعدد است، هر کدام نزدیک و اقرب باشد، اولی است و در آیه شریفه «رؤوسکم» نسبت به «وجوهکم» نزدیکتر است؛ بنا بر این، از آیه وضو، وجوب مسح پاها در وضو استفاده می شود؛ از این رو، فخر رازی هم گفته که این آیه مسح پاها را در وضو اثبات می کند.

سپس فخر رازی برای وجوب شستن، به امور ضعیف دیگری استدلال کرده است: اخبار و روایاتی که دلالت بر وجوب غسل (شستن) می کنند.

مرحوم سید شرف الدین در مقابل این استدلال، فرموده است: «اخبار و روایاتی که دلالت بر غسل می کنند، دو قسم است؛ روایاتی که دلالت بر (شستن) نمی کنند (مانند روایت عبد الله بن عمرو بن عاص)، چنان که در صحیح مسلم و بخاری آمده است. او می گوید: با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مسافرت رفتیم. وقت نماز عصر رسید. ما پاهایمان

را مسح کردیم. رسول خدا بلند فرمود:

ویل للأعقاب من النار (۱)؛ وای بر پاشنه‌ها از آتش جهنم.

این حدیث اگر صحّت داشته باشد، دلیل بر مسح می‌شود؛ زیرا پیغمبر خدا مسح آنها را انکار نکرد بلکه به نوعی آن را تأیید فرمود و آنچه را که بر آنها انکار کرد، کثیف بودن پاشنه‌های آنها بود (۲). و این انکار صحیح و بجاست؛ زیرا در بین مسلمانان، اعرابی بوده‌اند که بول بر پاشنه‌هایشان می‌پاشید؛ به ویژه موقعی که در سفر بوده‌اند، حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) نیز آنان را به دلیل عدم رعایت نجاست بول، از آتش می‌ترساند تا با چنین پاشنه‌های نجسی وارد نماز نشوند.

برخی از اخبار بر شستن پاها در وضو، دلالت دارند؛ مانند حدیث حرمان، آزاد کرد عثمان بن عفّان کی می‌گوید: دیدم عثمان دستهایش را سه مرتبه شست، سپس دست راستش را در آب وضو شست، آنگاه مضمضه و استنشاق کرد و آب را بیرون ریخت». (۳)

و در همان روایت آمده است:

ص: ۳۰

---

۱- (۱) - جمل: «ویل للأعقاب من النار» در حدیث عمر، عائشه و ابی هریره آمده که تمام آنها بر اساس معیارهای مسلم و بخاری، صحیح می‌باشند.

۲- (۲) - نظر محمد رشید رضا در تفسیر المنار: ۶/ ۲۸۸ نیز همین است.

۳- (۳) - صحیح بخاری: ۱/ ۱۴۰/ باب ۱۲۰.

«پس از آن، هر یک از پاهایش را سه مرتبه شست و گفت: پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را دیدم که مثل من وضو می گرفت.»

و در حدیث عبد الله بن زید بن عاصم انصاری هم آمده است:

«از او خواسته شده چگونه وضو می‌گیرد (صلی الله علیه و آله) را شرح دهد؛ او پاهایش را تا کعبین شست و (در آخر حدیث آمده است که) گفت: این چنین بود وضو پیغمبر (صلی الله علیه و آله)». (۱)

سید شرف الدین می فرماید:

«این قسم از روایات، به جهاتی مردود می باشند:

اولاً: این روایات، مخالف قرآن کریم و اجماع ائمه اهل بیت (علیهم السلام) می باشند. (۲) قرآن و عترت، دو ثقل رسول الله (صلی الله علیه و آله) هستند که از هم جدا نمی شوند و امت با تمسک به آنها گمراه نمی گردند؛ بنابراین، هر چیزی که با این دو ثقل مخالف باشد، باید آن را به دیوار کوبید.

کافی است بدانیم که روایات شستن، سست و بی اساس است. عبد الله بن عباس، زینت امت و عالم کتاب و سنت، چنین احتجاج و استلال کرده است: خداوند دو غسل و دو مسح را واجب کرده است، آیا نمی بینی که در

ص: ۳۱

---

۱- (۱) - شرح صحیح مسلم نووی: ۳/ ۱۲۱، کتاب طهارت، باب آخر در وصف وضو.

۲- (۲) - ائمه اطهار (علیهم السلام) اجماع و اتفاق بر وجوب مسح دارند و می توان به روایات آنها در وسائل الشیعه مراجعه نمود.

تیمم به جای دو غسل (شستن)، دو مسح قرار داده و دو مسح وضو را رها نموده است؟ (۱) او مرتباً می گفت: وضو دارای دو غسل و دو مسح است (۲).

و وقتی که خبر ربیع دختر معوذ بن عفرای انصاری مبنی بر این که پیغمبر نزد او وضو گرفته و پاهایش را شسته است، به او (عبد الله بن عباس) رسید، نزد آن زن آمد و از او سؤال کرد: از کجا چنین مطلبی را نقل می کنی؟ و به آن زن گفت: یک عده از روی لجاج و غرض می گویند: در پاها شستن لازم است و حال آن که من در کتاب خدا فقط مسح را یافته‌ام (۳).

ثانیاً: اگر این مطلب درست باشد و پاها باید شسته شود، می بایست به تواتر روایت می شد؛ اموری مثل وضو برای عموم مسلمین - از کوچک، بزرگ و زن و مرد- است و هر روز به آن نیاز پیدا می کنند؛ بنابراین، معنا ندارد که (بدون تواتر) روایت شود. و اگر تکلیف مسلمانان چیزی غیر از مدلول آیه (مسح) بود، می بایست مسلمانان در همان زمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به آن علم پیدا می کردند و جزء امور مسلم

ص: ۳۲

---

۱- (۱) - کنز العمال: ۱۰۳/۵ ح ۲۲۱۳.

۲- (۲) - همان، ح ۲۲۱۱. علامه بحر العلوم در منظوم فقهی خود (درؤه النجف) با توجه به این حدیث، سروده است: وضو نزد ما دو غسل است و دو مسح و کتاب (خداوند) مؤید ما است؛ غسل، برای صورت و دست هاست. و مسح برای سر و پاها است.

۳- (۳) - سنن ابن ماجه: ۱/ باب ۵۶، در غسل قدمین؛ کنز العمال: ۴۳۲/۹ ح ۲۶۸۳۷ (با اختلاف مختصر).

نزد آنها می شد و دیگر جای انکار و تردید آن نبود و چون چنین نشده معلوم می شود که این اخبار هم سست و بی پایه است.

ثالثاً: روایات در طهارت پاها متعارض است؛ برخی از آنها مانند حدیث حمران و ابن عاصم، بر شستن دلالت دارند، برخی دیگر همچون حدیثی که بخاری (۱)، احمد، ابن ابی شیبه، ابن ابی عمیر، بغوی، طبرانی و ماوردی با سند موثق: از ابی اسود دثلی از عباد بن تمیم، از پدرش روایت کرده اند که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را دیدم که وضو می گرفت و پاهایش را مسح کرد. همچنین شیخ طوسی نیز با سند صحیح از زراره و بکیر، دو پسر اعین نقل نموده است، امام محمد باقر (علیه السلام) مانند وضوی رسول خدا وضو گرفت، سپس سر و دو پای خود را تا کعبین، با باقیماند آبی که در دستهایش بود، مسح نمود (۲).

ابن عباس نیز وضوی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را تشریح نمود و با مسح بر پاها آن را انجام داد (۳).

حال، این روایات متعارض، با تعارض، ساقط می شوند و مرجع در این موارد، کتاب الله است و راهی غیر از آن نیست (۴) و دانستیم که قرآن کریم، مسح را برای پاها ذکر کرده است.

ص: ۳۳

---

۱- (۱) - الاصابه: ۱/۱۸۷ (عسقلانی در شرح حال تمیم بن زید، از آنها نقل کرده است).

۲- (۲) - تهذیب الاحکام: ۱/۵۶ ح ۱۵۸.

۳- (۳) - مجمع البیان: ۳/۲۰۷.

۴- (۴) - المسائل الفقهیه: ۹۵ - ۹۲.

ابن حزم هم می گوید:

«قرآن کریم مسح پاها را در وضو لازم می داند». او گفته است:

«قرآن، مسح را برای پاها نازل کرده است؛ خواه مجرور باشد، یا منصوب. و گروهی از قدما همچون امام علی (علیه السلام) ابن عباس، حسن، عکرمه، شعبی و دیگران، قایل به مسح می باشند و همین قول طبری است و در بار مسح، روایاتی نقل شده است» (۱).

سپس روایت

(ویل للأعقاب من النار) را ذکر کرده و گفته است: «این روایت، ناسخ آیه وضو در قرآن است».

پیش از این گذشت که این روایت، مسح را تأیید می کند و موافق آیه شریفه است؛ بنابراین این، چگونه می شود ناسخ آن باشد؟! علاوه بر این، نسخ قرآن، با خبر واحد جایز نیست (۲).

فخر رازی دلیل دیگری برای غسل ذکر کرده و گفته است:

«شستن، مشتمل بر مسح است و به عکس، صادق نیست، پس غسل، اقرب به احتیاط است؛ بنابراین این، قطع حاصل می شود به این که غسل پاها جانشین مسح شده است».

سید شرف الدین در جواب وی می گوید:

ص: ۳۴

---

۱- (۱) - المحلّی: ۲ / ۵۱۱ - ۵۶

۲- (۲) - التفسیر الکبیر: ۱۱ / ۱۶۳.



«این مغالطه است؛ زیرا مسح و غسل نزد اهل لغت، عرف و شرع، دو حقیقت هستند (۱)؛ بنابراین این، شستن پاها، جای مسح آنها را نمی گیرد. فخر رازی در این جا بین دو محذور قرار گرفته است؛ از طرفی، مخالفت با آیه محکم و صریح قرآن و از طرف دیگر، مخالفت با اخبار صحیح - طبق نظر خودش - و برای این که از این دو محذور نجات پیدا کند، خود را به این مغالطه انداخته و گفته است: غسل، شامل مسح می شود و به احتیاط نزدیکتر است و غسل، جانشین مسح می شود. در این جا فخر رازی گمان کرده که توانسته است بین آیه قرآن و روایتها جمع کند و کسی که در دفاع و جواب او دقت و تأمل کند، به این نتیجه می رسد که او دچار سردرگمی شده است. و از آن جا که آیه شریفه دلالت روشن بر وجوب مسح دارد، دیگر نیازی به جایگزینی غسل به جای مسح نیست». (۲)

فخر رازی، دلیل دیگری برای غسل ذکر کرده و نوشته است:

«آیه شریفه حکم پاها را به کعبین، محدود کرده است و این تحدید، با شستن تناسب دارد؛ زیرا کعبین، دو استخوانی است که از دو طرف ساق، بر آمدگی دارند.»

ص: ۳۵

- 
- ۱- (۱) - در مفهوم غسل، جاری شدن آب بر عضو شسته شده - اگر چه کم باشد - اخذ شده ؛ در حالی که در مفهوم مسح، جاری نشدن آب و دست کشیدن بر آن عضو، اخذ شده است.
  - ۲- (۲) - المسائل الفقہیہ، سید عبد الحسین شرف الدین: ۹۰.

همچنان که گذشت، قرطبی این وجه را در کتاب الجامع لاحکام القرآن ذکر نموده است.

مرحوم سید شرف الدین در جواب آن فرموده است:

«کعبین در آیه وضو، دو مفصل ساق پاها هستند (۱) و این معنا بر اساس روایت صحیحی است که زراره و بکیر؛ فرزندان اعین از حضرت امام باقر(علیه السلام) راجع به کعبین سؤال کردند». (۲)

از روایت صدوق هم همین معنا استفاده می شود (۳) وائمه لغت به صراحت گفته اند:

«هر مفصل استخوان، کعب است». (۴)

فقهای اهل سنت می گویند:

«کعبین، دو استخوان برجست دو طرف ساق است» و استدلال کرده اند به این که: اگر کعب، مفصل ساق، از پا باشد، نتیجه اش این است که هر پایی، یک کعب داشته باشد، پس سزاوار بود که آیه بگوید: «وَأَرْجُلُكُمْ إِلَى الْكَعْبِ»: همان گونه که در هر دست، یک مرفق است، از این که فرمود: «وَأَيْدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ».

ص: ۳۶

---

۱- (۱) - گفته شده که «کعبین» به بر آمدگی دو پا گفته می شود و قول اول احوط و اقواست.

۲- (۲) - در روایتی، شیخ با سند صحیح از آن دو نقل می کند که از امام(علیه السلام) سؤال کردند: کعبان کدامند؟ امام(علیه السلام) فرمود: این جا؛ یعنی مفصل که انتهای ساق باشد.

۳- (۳) - شیخ صدوق از امام باقر(علیه السلام) روایت می کند که کیفیت وضوی رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را تعریف نمود و فرمود پیامبر(صلی الله علیه و آله) خدا جلو سر و روی پاها را تا انتهای استخوانهای دو ساق، مسح کردند.

۴- (۴) . ر.ک: فرهنگ لغت.

در جواب می گوئیم: اگر در دستها «الی المرفقین» می فرمود، بدون اشکال و صحیح بود و معنای آن این گونه می شد: «بشویید صورتها» و دستهایتان را تا دو مرفق و مسح نمایید سرها و پاهایتان را تا کعبین؛ بنابر این، تشبیه بودن «مرفقین» و «کعبین» و جمع بودن «المراق» و «الکعب» از نظر صحت تعبیر، مساوی است؛ همچنان که اگر یکی، جمع و دیگری، تشبیه باشد، صحیح است. و شاید زیبایی در تعبیر اقتضا کرده که یکی را جمع و دیگری را تشبیه بیاورد.

این مطالب بنابر این فرض است که هر پای، یک کعب داشته باشد، اما اگر هر پای، دو کعب داشته باشد، دیگر وجهی برای کلام و استدلال فقهای اهل سنت نمی ماند. دانشمندان و پزشکان علم تشریح، به اتفاق گفته اند که هر پای، همانند کعب گاو و گوسفند، استخوان دایره شکلی دارد که در زیر استخوان ساق قرار گرفته و مفصل ساق و پا هم کعب نامیده می شود (1)؛ بنابر این، مسح هر پا به دو کعب منتهی می شود؛ یکی خود

ص: ۳۷

---

۱- (۱) - محمد بن حسن شیبانی و اصمعی گفته اند: «کعب» در آیه وضو، استخوان زیر ساق است. و اصمعی گفته است: دو استخوان در انتهای دو طرف ساق را «منجمین» می نامند. فخر رازی گمان کرده است که این نظر امامیه می باشد، لذا جواب داده است به این که: استخوان دایره شکل که زیر ساق می باشد، پنهان است و فقط اهل تشریح به آن آگاهی دارند، خلاف دو استخوانی که در انتهای دو طرف ساق هستند؛ زیرا آنها محسوس هستند، نه پنهان. و گفته: تکلیف عام باید به امر ظاهر باشد، نه پنهان. رازی که دیده امامیه تا مفصل ساق مسح می کنند، گمان کرده که آنها قایل به آنچه شیبانی و اصمعی گفته اند، هستند و آگاه نبوده بر این که «کعب» نزد آنها همان مفصل محسوس و معلوم نزد همه می باشد.

مفصل و دیگری کعبی که به صورت دایره در زیر کعب مفصلی قرار دارد. و در این که «کعب» در آیه وضو تشبیه آمده ولی «مرفق» چنین نیامده است، نکت لطیفی دارد که فقط دانشمندان تشریح آن را می دانند. (۱)

از لا- به لای این مباحث روشن می شود که فقه اهل سنت - که قایل به شستن پاها در وضو است - چگونه در بن بست و تعارض با قرآن کریم قرار گرفته است؛ از این رو، دست به هر تأویل و توجیه دور از حقیقت زده و خودشان را گرفتار نموده اند.

از جمل افرادی که دست به گریبان این گونه تأویلها شده زمخشری است. سید عبد الحسین شرف الدین تلاش او را ذکر نموده و گفته است:

«زمخشری در بار این آیه به فلسفه بافی افتاده و در تفسیر کشف می گوید: ارجل (پاها) از بین اعضای سه گان غسل، با ریختن آب روی آنها شسته می شوند و چون شستن آن مظنّ اسراف آب - که مذموم و ممنوع است - بوده، لذا به ممسوح (رؤوس) عطف شده است، نه برای آن که مسح شود بلکه تا از این رو در آیه توجه بدهد که در

ص: ۳۸

ریختن آب روی پاها به کمترین آن اکتفا شود و گفته شده *إلى الكعبين* تا توهم کسی را که می گوید: باید پاها مسح شوند، از بین ببرد؛ زیرا برای مسح، نهایتی شرعاً منظور و معین نشده است». (۱)

که منطبق با شستن است، پس شستن پاها در وضو لازم است (۲).

گفتنی است که این جواب، بنابر نظریه قایلان به «استحسان» صحیح است، اما کسی که استحسان را قبول ندارد، این استدلال صحیح نیست؛ زیرا استحسان در جایی است که دلیل قرآنی و سنت نبوی نباشد، حال آن که دلیل قرآنی و سنت نبوی - چنان که صاحب تفسیر المنار به آن اعتراف کرده است - در این جا وجود دارد، پس نوبت به استحسان نمی رسد.

سید عبد الحسین شرف الدین در جواب این توجیه می نویسد:

«چه بسا جمهور وفقهای اهل سنت، برای غسل پاها بگویند: شستن با پاها شدیداً تناسب دارد، همچنان که مسح با سر، چنین تناسبی را دارست؛ زیرا غالباً چرک پاها با شستن از بین می رود، به خلاف سر که غالباً با مسح تمیز می شود.

و نیز گفته اند: هیچ منعی ندارد که مصلحتهای عقلایی، سبب عبادات واجب قرار گیرند و شرع، دو هدف را در آن لحاظ کند؛ مصلحت و عبودیت؛ مقصود از «مصلحت» همان امور محسوس

ص: ۳۹

---

۱- (۱) - تفسیر کشاف: ۶۱۱/۱؛ و المسائل الفقہیة: ۹۲.

۲- (۲) - تفسیر المنار: ۶/۲۳۴ - ۳۲۸.

و مشهود است، همان طوری که مقصود از «عبادی و عبودیت»، چیزی است که به تزکیه نفس بر می گردد.

در جواب می گوئیم: ما ایمان داریم که شارع مقدس در تکالیف و احکام شرعی، مصلحت بندگان خود را لحاظ کرده است و به آنان امر نمی کند، مگر آن که مصلحتی در آن باشد و آنها را از چیزی نهی نمی کند، مگر آن که مفسده ای در آن وجود دارد. با توجه به این مطالب، احکام خداوند از نظر مصالح و مفاسد، به آرای مردم ارتباطی ندارد بلکه خداوند متعال آنان را به تکالیفی که با ادل قوی و بر اساس حکمت و مصلحت واقعی بندگان تنظیم شده است.

ولی اولین دلیل و سند محکم احکام خداوند، همانا «قرآن کریم» است و در آیه وضو، مسح را برای پاها دستور داده است و باید تسلیم این فرمان قرآن بود.

اما تمیزی پاها از چرک و آلودگی، چیزی است که قبل از مسح پاها باید آن را انجام داد؛ زیرا روایتهایی وجود دارد که مخصوص این گونه موارد هست که می گوید: «طهارت اعضا و مواضع وضو، قبل از وضو لازم است». و شاید عمل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که پاهایش را - بر اساس بعضی از اخبار - می شست، از

این باب بوده است و یا این که ایشان می خواست پاهایش خنک شود و یا نظافت بیشتری به پاهایش بدهد (والله اعلم) (۱).

و اگر مطلب آن چنان بود که افکار ما برای ما تنظیم کرده است، چنان می شد که امام علی (علیه السلام) فرمود:

«اگر نمی دیدم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روی پاهایش را مسح می کند، گمان می کردم که مسح باطن پاها از ظاهرشان سزاوار تر است». (۲)

از توجیحات دیگری که برای وجوب شستن پاها در وضو شده گفتار صاحب «تفسیر المنار» است. او می نویسد:

«جمهور اهل سنت به اجماع اصحاب و عمل مسلمانان صدر اول اسلام اعتماد کرده اند». (۳)

این استدلال خیلی ضعیف تر از آن است که ذکر شود؛ زیرا در میان اصحاب، کسانی بودند که مسح می کردند و خود او قبلاً به آن اعتراف کرده است (که هم شستن وهم مسح از اصحاب و تابعین روایت شده، البته عمل شستن، بیشتر و غالب بوده است) (۴).

پس این ادعای اجماع چگونه می تواند صحیح باشد؟ در حالی که قول به مسح، از سلف اصحاب و تابعین نقل شده است. اما این که عمل

ص: ۴۱

---

۱- (۱) - المسائل الفقهیه: ۹۶.

۲- (۲) - وسائل الشیعه، ابواب وضو، باب ۱۳ ح ۹.

۳- (۳) - تفسیر المنار: ۶/۲۲۸.

۴- (۴) - تفسیر المنار: ۶/۲۲۸.

به غسل بیشتر است، فایده ای ندارد و قول غسل را ثابت نمی کند؛ زیرا ممکن است انگیزه های سیاسی، آن را گسترش داده باشد؛ مثلاً- خلیفه مذهبی را اختیار می کرد و راویان را موظف به ترویج آن می نمود؛ از جمله توجیحات، گفت قرطبی است که:

«کلم مسح، لفظ مشترکی است که هم به معنای شستن و هم به معنای مسح می آید».<sup>(۱)</sup>

به گفته مؤلف تفسیر المنار: «این گفتار، پایه ای است؛ چگونه مسح به معنای غسل است؟ اگر چنین است پس چرا در این آیه هم کلم غسل و هم مسح آمده؟ و اگر چنین بود، باید در مورد سرهم گفته می شد که هم می توان مسح کرد و هم شست، علاوه بر اینها، مقتضای این استدلال و جوب شستن نیست بلکه تخییر بین مسح و شستن است؛ بنابراین، چه دلیلی بر بطلان مسح وجود دارد؟!».<sup>(۲)</sup>

ص: ۴۲

---

۱- (۱) - الجامع لأحكام القرآن: ۶ / ۹۲.

۲- (۲) - تفسیر المنار: ۶ / ۲۳۳.



## جمع بین مسح، غسل و تخییر بین آنها

قبلاً گذشت که برخی قایل به جمع بین «مسح» و «غسل» می باشند و استدلالشان آن است که احتیاط چنین جمعی را اقتضا می کند.

جواب به این دیدگاه این است که، اصولاً احتیاط در آن جاست که شک باشد و در این جا چون دلیل شرعی بر وجوب مسح اقامه شده است، شک از بین می رود. این عمل به احتیاط است، اما تخییر در جایی است که دلیل بر هر دو طرف اقامه شده باشد؛ مثلاً آیه وضو و یا حدیث و عمل رسول الله (صلی الله علیه و آله) بر مشروعیت مسح و شستن دلالت کند، در چنین موردی مکلف می تواند یکی از آنها را اختیار کند، ولی این معنا از آیه وضو استفاده نمی شود، روایات و عمل رسول الله (صلی الله علیه و آله) چنین تخییری را نمی رساند؛ بنابر این، نمی توان قایل به تخییر شد؛ زیرا نمی توان مکلف را بین دو امر، مخیر کرد که یکی صحّت و مشروعیتش ثابت شده و دیگری ثابت نشده است. همچنین روشن شد که هم تلاشهای مدعیان شستن، برای اثبات مشروعیت آن، با ناکامی مواجه شده اند.

## منشأ اختلاف روایات

قبلاً گفته شد که مسائلی از قبیل «وضو» که هر روز تکرار می شود و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اصحاب، شبانه روز آن را انجام می دادند، نمی بایست در آن چنین اختلافی پیدا شود ولی متأسفانه اختلاف سنگینی بین مسلمانان در وضو به وقوع پیوسته و همچنان ادامه دارد.

برخی از پژوهشگران از نظر تاریخی، این اختلاف را بررسی و ریشه یابی کرده و نتیجه گرفته اند که قول به «شستن پاها» در زمان خلیف سوم عثمان ظاهر شده و قبل از آن، چنین اختلافی نبوده است. تفصیل این سخن در کتاب «وضوء النبی من خلال ملبسات التشریح» تألیف سید علی شهرستانی آمده است.

### خلاص بحث

آیه وضوء بر مسح پاها دلالت می کند - چه «ارجل» منصوب باشد، یا مجرور - همچنانکه مسح پاها در مذهب اهل بیت (علیهم السلام) از ضرورتها محسوب می شود. و نیز وضوی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اصحاب و تابعین و سایر مسلمانان، بر مسح پاها بوده است و قول به شستن پاها از کتاب و سنت، شاهد و برهانی ندارد بلکه بدعتی است که در زمان خلیف سوم ظهور یافته است.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

